



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

منابع مالی حکومت اسلامی

منبع نهم: مالیات و عوارض

نهمین منبع از منابع مالی مطرح شده برای حکومت اسلامی، اموالی است که تحت عنوان «مالیات و عوارض» پرداخت می‌شود.

ادله مشروعیت دریافت مالیات و عوارض

در جلسه پیشین به پنج دلیل برای اثبات مشروعیت دریافت مالیات و عوارض توسط حکومت اسلامی اشاره گردید.

دلیل ششم: وجوب صله‌ی امام علیه السلام

دلیل ششم برای اثبات مشروعیت دریافت مالیات و عوارض توسط حکومت اسلامی، واجب بودن صله بر امام علیه السلام توسط مسلمانان است.

توضیح مطلب این است که یکی از احکامی که در اسلام وجود دارد، وجوب صله بر امام علیه السلام توسط مسلمانان است؛ چون در آیه ۲۱ سوره رعد آمده است: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ». بر اساس این آیه شریفه، صله کردن به کسانی واجب است؛ چون خداوند متعال نسبت به آن امر کرده است. علاوه بر آیه شریفه، روایتی هم توسط سماعة بن مهران نقل شده که صله کردن را فریضه دانسته است. در روایت سماعة بن مهران آمده است:

و[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ فِي حَدِيثٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ حَقُّوqًا غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلْسَّائِلِ^۱ - فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ غَيْرُ الزَّكَاةِ وَهُوَ شَيْءٌ يَقْرِضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ فِي مَالِهِ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَقْرِضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَ سَعَةِ مَالِهِ فَيُؤَدِّي الَّذِي فَرَضَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ - وَإِنْ شَاءَ فِي كُلِّ شَهْرٍ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً^۲ - وَ هَذَا غَيْرُ الزَّكَاةِ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً يُتْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرّاً وَ عَلَانِيَةً^۳ - وَ الْمَاعُونُ أَيْضاً وَ هُوَ الْقَرْضُ يَقْرِضُهُ وَ الْمَتَاعُ بُعِيرُهُ وَ الْمَعْرُوفُ بِصُنْعِهِ وَ مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَيْضاً فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ^۴ - وَ مَنْ أَدَّى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ أَدَّى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمْدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَ لِمَا وَفَّقَهُ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَ أَعَانَهُ عَلَيْهِ^۵.

۱. المعارج: ۲۴-۲۵.

۲. المَزَل: ۷۳-۲۰.

۳. ابراهیم: ۱۴-۳۱.

۴. الرعد: ۱۳-۲۱.

۵. وسائل الشیعة ۹: ۴۷.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

در این روایت امام صادق علیه السلام در اموال ثروتمندان، به حقوقی غیر از زکات اشاره کرده‌اند که بر اساس فقره «مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْضًا فِي الْمَالِ مِنْ غَيْرِ الزَّكَاةِ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»، یکی از حقوق مالی، صله کردن به کسانی است که خداوند متعال، نسبت به صله کردن به آن‌ها امر کرده است. البته در قرآن کریم بیان نشده است که به چه کسانی باید صله شود، بلکه به صورت اجمالی بیان کرده است که کسانی وجود دارند که به آن‌هایی که خداوند متعال امر به صله کردن آن‌ها کرده، صله می‌کنند.

شبهه روایت سماعة بن مهران در دلالت بر اصل وجوب صله مالی، روایت ولید بن ابان است که در مجمع البیان نقل شده است:

روى الوليد بن أبان عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: قلت له هل على الرجل في ماله سوى الزكاة قال نعم أين ما قال الله (وَالَّذِينَ يَصِلُونَ) الآية. «وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ» أي ويخافون عقاب ربهم في قطعها «وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»^۱

در این روایت، از امام رضا علیه السلام درباره وجود داشتن واجب مالی غیر از زکات سؤال شده و امام علیه السلام بعد از اشاره به وجود داشتن چنین واجب مالی، به آیه مربوط به صله بر کسانی که خداوند متعال امر به صله بر آن‌ها کرده، اشاره می‌کنند. از این روایت نیز به روشنی وجوب پرداخت مالی به عنوان صله استفاده می‌شود.

روایت به لحاظ سندی مرسل است و صرفاً در حدّ مؤید قابل استناد است.^۲

مقصود از صله کردن نیز صرف رفت و آمد نیست، بلکه همان طور که به صراحت در موثقه سماعة بن مهران ذکر شده، صله مالی است. بنابراین یکی از واجبات در شریعت اسلام، صله مالی است. این مطلب کبرای استدلال است.

اما در ارتباط با صغرای آن و اینکه به چه کسانی باید صله شود، روایات متعددی وارد شده است که برخی از آن‌ها، قرابت و برخی نیز ارحام را مطرح کرده‌اند. اما طبق برخی روایات، کسی که صله بر او بر عهده مسلمانان واجب شده، امام علیه السلام است. نتیجه این است که بر فرض نتوان امام علیه السلام را مصداق انحصاری دانست، حداقل این است که یکی از مصادیق کسانی که باید بر آن‌ها صله شود، امام علیه السلام است. در این مجال به یکی از روایات که در تفسیر عیاشی نقل شده اشاره می‌گردد.

عن الحسن بن موسى قال: روى أصحابنا قال سئل أبو عبد الله ع عن قوله تعالى: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» قال: هو صلة الإمام في كل سنة بما قل أو كثر، ثم قال أبو عبد الله ع: و ما أريد بذلك إلا تزكيتكم^۳.

در این روایت از امام صادق علیه السلام درباره مقصود از آیه شریفه سؤال شده و امام علیه السلام فرموده‌اند: مراد از کسی که باید به او صله شود، امام علیه السلام است و این صله باید سالانه و به هر مقدار، کم یا زیاد انجام شود. در ادامه روایت نیز بیان شده است که پولی که از مردم دریافت می‌شود، برای تزکیه آن‌ها است.

۱. مجمع البیان ۶: ۴۴۴.

۲. این روایت غیر از مجمع البیان و تفسیر نورالثقلین، در کتاب‌های روایی دیگر نقل نشده است و درباره تفسیر نورالثقلین نیز احتمال داده می‌شود که از مجمع البیان نقل کرده باشد؛ لذا تنها منبع آن، تفسیر مجمع البیان است. اما قابل توجه است که ارسال سند، مانع از استناد به آن است و الا اگر روایت در کتاب مجمع البیان دارای سند معتبر باشد، حتی اگر در هیچ کتاب روایی دیگر نقل نشده باشد، قابل استناد است؛ چون مرحوم طبرسی بعد از شیخ طوسی بوده و دسترسی به منابع برای ایشان ممکن بوده است.

۳. تفسیر العیاشی ۲: ۲۰۹؛ البرهان ۲: ۲۸۹.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بنابراین به لحاظ کبروی، در آیه شریفه بیان شده است که صله واجب است و با موثقه سماعه روشن گردید که صله مالی مقصود است و روایت تفسیر عیاشی نیز به لحاظ صغروی مشخص کرده که امام علیه السلام مقصود است و مقدار صله نیز سالیانه و به هر مقدار که مقدور باشد، واجب است.

تاکنون وجوب صله بر امام علیه السلام ثابت گردید. اما برای اینکه دلیل بر جواز اخذ مالیات محسوب گردد، به مقدمه دیگری نیازمند است و آن مقدمه این است که طبق فرض، باید همه مسلمانان به امام علیه السلام صله داشته باشند و وقتی پرداختی همه مسلمانان حتی اگر هر یک از آن‌ها به مقدار اندک پرداخت کرده باشد، جمع آوری گردد، مبلغ بسیار زیادی خواهد شد که شخص امام علیه السلام قطعاً به این مقدار مال نیاز ندارند؛ لذا مشخص می‌شود اموالی که به ایشان صله می‌شود، برای شخص ایشان نیست، بلکه برای ایشان است تا در امور حکومتی و مصلحت مسلمانان صرف کند؛ لذا اثبات می‌شود که اگر حکومت اسلامی نیاز به منابع مالی داشته باشد، می‌تواند برای اداره حکومت از مردم مالیات دریافت کند.^۱ در نتیجه، جواز دریافت مالیات از این طریق اثبات می‌شود.

مناقشه

به نظر ما استدلال ذکر شده با سه اشکال مواجه است:

اشکال اول: اگرچه بر اساس آیه شریفه، اصل وجوب صله اثبات می‌شود، اما خود آیه دلالت ندارد که صله بر امام علیه السلام مراد است و روایت تفسیر عیاشی نیز به مراد بودن امام علیه السلام اشاره کرده، به جهت ارسال، سنداً ضعیف است.

اشکال دوم: این چنین نیست که صرف زیاد بودن مال قرینه بر تعلق آن به منصب امامت باشد و نتوان پذیرفت که شخص امام علیه السلام مالک آن اموال بوده است؛ چون مالکیت شخص امام علیه السلام هیچ محذوری به دنبال ندارد. مؤید بر این مطلب نیز روایت عبدالله بن بکیر است که در آن آمده است:

وَإِسْنَادِهِ [مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي لَأَخْذُ مِنْ أَحَدِكُمُ الدَّرْهَمَ وَإِنِّي لِمَنْ أَكْثَرَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَالًا مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا.^۲

این روایت به لحاظ سندی موثقه است و در آن امام صادق علیه السلام بیان کرده که حتی اگر یک درهم هم برای ایشان آورده شود، می‌پذیرند؛ در حالی که نیاز به آن ندارند و خود ایشان از ثروتمندترین افراد مدینه هستند.

بنابراین مشخص می‌شود که امام علیه السلام اموال را برای خودشان دریافت می‌کرده‌اند؛ چون اگر اموال را برای حکومت دریافت می‌کردند، نباید خودشان را ثروتمند می‌دانستند.

۱. مرحوم منتظری در بحث خمس نیز از این بیان استفاده کرده است که خداوند متعال به دنبال ایجاد فاصله طبقاتی نبوده و این چنین حکم نکرده است که شخصی دارای ثروت فراوان بوده و سالانه مبلغ بسیار زیادی برای او وجود داشته باشد، در حالی که سایر افراد از چنین ویژگی بهره‌مند نبوده و فقیر باشند. ایشان این مطلب خلاف مذاق شارع دانسته و معتقد است خمس متعلق به شخص امام علیه السلام نیست و به منصب امامت تعلق دارد.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۴۸۴.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

البته صاحب وسائل این روایت را در باب خمس مطرح کرده که از این جهت دچار اشتباه شده است؛ چون به نظر می‌رسد ربطی به خمس ندارد، بلکه مربوط به صله است؛ لذا شیخ کلینی این روایت را در باب صله نقل کرده است.^۱ اما در عین حال با توجه به احتمال ارتباط آن به خمس که صاحب وسائل این چنین برداشت کرده، به عنوان مؤید اشاره گردید.

اشکال سوم: بر فرض، ضعف سندی در نظر گرفته نشده و از طرف دیگر پذیرفته شود اموالی که به عنوان صله بر امام علیه السلام پرداخت می‌شود، مربوط به منصب امامت است، روایت موثقه سماعه دلیل نخواهد بود که دریافت مالیات بر حاکم جایز است؛ چون در مالیات، حاکم مقدار مشخصی را تعیین کرده و پرداخت آن را از شهروندان مطالبه می‌کند، در حالی که در باب صله امام علیه السلام، تعیین مقدار در اختیار خود شهروندان است.

بنابراین مشروعیت دریافت مالیات استفاده نمی‌شود، بلکه باید منبع مالی دیگری تحت عنوان «صلة الامام» مطرح شود که بر اساس آن، همه مردم وظیفه دارند که به امام علیه السلام صله دهند.

البته بحث وجوب پرداخت مال تحت عنوان «صلة الامام» در کلمات فقها مطرح نشده است، اما صرف مطرح نشدن این مطلب توسط فقها، مشکلی برای التزام به آن ایجاد نمی‌کند؛ چون ممکن است به جهت عدم ابتلا در عصر غیبت طرح نشده باشد.

دلیل هفتم: عدم اختصاص زکات به موارد نه گانه

دلیل هفتم برای مشروعیت دریافت مالیات و عوارض توسط حکومت اسلامی که توسط مرحوم منتظری مطرح شده، عدم اختصاص زکات به موارد نه گانه است.

در نظر مرحوم منتظری، اساساً مقصود از آیه زکات و سایر ادله آن، مالیات بوده است که شارع وضع کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام حق دریافت آن را از همه اموال مردم داشته‌اند. البته در ادله عنوان «صدقه» و «زکات» ذکر شده است، اما با توجه به اینکه پرداخت آن نسبت به همه اموال واجب است و حاکم نیز می‌تواند از آن‌ها دریافت کرده و یا آن‌ها را الزام به پرداخت کند، مقصود همان مالیات بوده است.

مرحوم منتظری به عنوان شاهد بر کلام خود، به آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»^۲ اشاره کرده است که بر اساس آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه مأمور شده است که از همه اموال مردم صدقه دریافت کند. از طرف دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بیان نکرده‌اند که زکات صرفاً در نه چیز واجب است، بلکه نسبت به غیر آن نه چیز عفو کرده و بخشیده‌اند. بنابراین روشن می‌شود که مقتضی دریافت زکات در همه اموال وجود داشته و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق دریافت زکات از همه اموال را داشته‌اند، اما در مازاد بر نه چیز بخشیده‌اند. معنای روایات عفو هم این است که زکات در همه اموال واجب بوده و پیامبر اکرم می‌توانسته است از همه اموال دریافت کند؛ چون نسبت به چیزی اساساً امکان دریافت آن وجود ندارد، بخشش بی‌معنا است.

برای روشن شدن این مطلب که زکات در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و ایشان زکات را در غیر از نه چیز بخشیده‌اند، به تعدادی از روایات اشاره می‌شود.

روایت اول: صحیحہ عبدالله بن سنان

۱. الکافی ۱: ۵۳۸.

۲. التوبه: ۱۰۳.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا^۱ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ) فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ إِلَى أَنْ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَعْزِضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَأَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَعُمَّالَ الطَّسُوقِ.^۲

در این روایت بیان شده است که بعد از نزول آیه زکات در ماه مبارک رمضان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منادی امر می کند که در بین مردم ندا دهد همان طوری که نماز بر شما واجب شده، زکات نیز بر شما واجب است. البته در سال اول متعرض اموال آنها نشده و چیزی از آنها دریافت نمی کند. اما از رمضان سال بعد اقدام به دریافت زکات کرده و برای آن عُمَّال نیز تعیین می کند. دریافت زکات در سال اول، قرینه بر این است که زکات در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این روایت در نقل دیگر این چنین آمده است:

رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَنْزَلَتْ إِلَيْهِ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ السَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ نَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَتَعَزَّزْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَأَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَعُمَّالَ الطَّسُوقِ.^۳

در این نقل به صراحت بیان شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به غیر از نه چیز عفو کرده است.

روایت دوم: روایت ابی المغراء

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَ الْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَى غَيْرِ شُرَكَائِهِمْ.^۴

بر اساس این روایت، شراکت ثروتمندان و فقرا در اموال خاصی نیست، بلکه در همه اموال است؛ لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق داشته که از همه اموال مردم زکات دریافت کند. اما ایشان از بعض اموال، زکات دریافت کرده و از بعض دیگر عفو کرده است.

روایت سوم: صحیحہ فضلا

۱. التوبة: ۹-۱۰۳.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۹.

۳. من لا يحضره الفقيه ۲: ۱۴.

۴. وسائل الشیعة ۹: ۲۱۹.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ وَ الْفَضْلِيِّ بْنِ يَسَارٍ كُلِّهِمْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.^۱

در این روایت بیان شده که خداوند متعال زکات را در اموال واجب کرده است که «الأموال» به صورت جمع محلی به الف و لام ذکر شده است. در صورتی که جمع محلی به الف و لام، جزو ادات عموم باشد، شمول حکم نسبت به همه اموال روشن و واضح است. در صورتی هم که جمع محلی به الف و لام، از ادات عموم نباشد، ذیل روایت که در آن به عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده، قرینه بر این است که زکات در همه اموال واجب بوده است؛ چون اگر اساساً وجوبی از سوی خداوند متعال جعل نشده باشد، نیازی به عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود نخواهد داشت؛ لذا حکم اولی زکات لزوم پرداخت از همه اموال بوده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیش از نه مورد، بخشیده‌اند.

روایت چهارم: روایت ابوبکر حضرمی

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ] عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ عَفَا (رَسُولُ اللَّهِ ص) عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.^۲

در این روایت نیز به صراحت به عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مازاد بر آن نه چیز اشاره شده است. بنابراین بر اساس روایات ذکر شده، زکات نسبت به همه اموال واجب است که این وجوب زکات، چیزی جز مالیات نیست و اختیار آن در دست حاکم است که تعیین کند از چه اموالی دریافت گردد و چه اموالی مشمول این حکم نباشد. مؤید بر این مطلب، وجود نداشتن نقدین در عصر حاضر و متعلق زکات نبودن بسیاری از اموال ثلاثه به جهت نگهداری از آن‌ها در خانه است. با عدم وجوب زکات در این موارد، مقدار زکات بسیار کاهش خواهد یافت. در نتیجه استفاده می‌شود که عفو و بخشش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مازاد بر نه مورد، به لحاظ شرایط زمانی و مکانی بوده است که موارد بسیاری متعلق زکات بوده است. اما با توجه به اینکه در عصر حاضر، موارد مشمول زکات کاهش یافته است، عفو ایشان شامل نشده و بر ولی امر جایز خواهد بود که مجدداً زکات را توسعه دهد. شاهد بر دائمی نبودن عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، صحیحه محمد بن مسلم و زراره است که در آن آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً قَالَا وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَى الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّاعِيَةِ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ وَ جَعَلَ عَلَى الْبَرَاذِينِ دِينَاراً.^۳

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۵.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۵۵.

۳. وسائل الشیعة ۹: ۷۷.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بر اساس این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام برای اسب‌های نجیب، سالیانه دو دینار و بر اسب‌های تاتاری، یک دینار سالیانه زکات قرار داده است. در حالی که اگر عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دائمی بود، ایشان چنین اقدامی انجام نمی‌دادند. ممکن است گفته شود که در این روایت به جعل این موارد از باب زکات اشاره نشده است؛ لذا ممکن است ایشان به عنوان دیگری این لزوم پرداخت را جعل کرده باشند که دیگر منافاتی با عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخواهد داشت. پاسخ این است که شاهد بر زکات بودن جعل امیرالمؤمنین علیه السلام، صحیحه زراره است که در آن آمده است:

وَبِالْإِسْنَادِ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ] عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ هَلْ فِي الْبِغَالِ شَيْءٌ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ فَكَيْفَ صَارَ عَلَى الْخَيْلِ وَلَمْ يَصْرَ عَلَى الْبِغَالِ فَقَالَ لِأَنَّ الْبِغَالَ لَا تَلْفَحُ وَالْخَيْلُ الْإِنَاثُ يُنْتَجَنُ وَلَيْسَ عَلَى الْخَيْلِ الذُّكُورِ شَيْءٌ قَالَ فَمَا فِي الْحَمِيرِ قَالَ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ قَالَ قُلْتُ: هَلْ عَلَى الْفَرَسِ أَوْ الْبَعِيرِ يَكُونُ لِلرَّجُلِ يَرْكُبُهُمَا شَيْءٌ فَقَالَ لَا لَيْسَ عَلَى مَا يُعْلَفُ شَيْءٌ إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَلَى السَّائِمَةِ الْمُرْسَلَةِ فِي مَرْجِهَا عَامَهَا الَّذِي يَقْتَتِيهَا فِيهِ الرَّجُلُ فَأَمَّا مَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ.^۱

در این روایت که به لحاظ سندی صحیحه است، امام صادق علیه السلام به بیان وجوب پرداخت مال نسبت به اسب‌ها و عدم وجوب نسبت به قاطرها و الاغ‌ها پرداخته و ذیل روایت از عنوان «صدقه» استفاده کرده‌اند. این تعبیر شاهد بر این است که جعل دو دینار توسط امیرالمؤمنین علیه السلام برای اسب‌ها، تحت عنوان «صدقه» بوده است؛ چون درباره اسب‌ها فقط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخت مال را لازم دانسته‌اند و با این روایت مشخص می‌شود که به عنوان زکات بوده است. بنابراین نتیجه این چنین می‌شود که عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به غیر از نه چیز، دائمی نبوده است تا امکان تغییر آن وجود نداشته باشد؛ لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در طول حکومت خود، از اسب‌ها دریافت کرده‌اند و با توجه به تعبیر «فی کل عام دینارین»، این دریافت نیز برای مدت محدود نبوده است تا گفته شود که چه بسا شرایط خاصی بوده که امیرالمؤمنین علیه السلام مجبور به دریافت زکات شده‌اند. بر این اساس، زکات امر عامی است که نسبت به همه اموال قابل دریافت است و به لحاظ موارد و میزان دریافت آن، ولی امر صاحب اختیار است و این چیزی جز مالیات نیست؛ هر چند نام دیگری بر آن نهاده شده باشد. در صورتی هم که شهروندان از پرداخت آن ابا داشته باشند، ولی امر می‌تواند اعمال ولایت کرده و با اجبار از آن‌ها دریافت کند.^۲

مناقشه

به عنوان مناقشه بر کلام مرحوم منتظری می‌توان گفت: اگر صرفاً روایاتی که ایشان اشاره کرده، وجود داشت، چه بسا قابل پذیرش بود که در روایت زراره و محمد بن مسلم، زکات مقصود بوده است، اما از طرف دیگر برخی روایات وجود دارد که در آن‌ها تصریح شده که عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مازاد بر موارد نه گانه، دائمی است و امکان تغییر آن وجود ندارد. در نتیجه نمی‌توان زکات را مالیات به معنای عام دانست.

روایت اول: مرسله ابی سعید قَمَاط

۱. وسائل الشیعة ۹: ۷۸.

۲. مرحوم آقای منتظری در جلد چهارم ولایت فقیه خود به این بحث پرداخته‌اند.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

وَفِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الزَّكَاةِ فَقَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةٍ وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةَ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَالْإِبِلَ فَقَالَ السَّائِلُ فَالذُّرَّةُ فَغَضِبَ عَ ثُمَّ قَالَ كَانَ وَاللَّهِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص السَّمَّاسُ وَالذُّرَّةُ وَالذُّخْنُ وَجَمِيعُ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص - وَإِنَّمَا وَضَعَ عَلَى تِسْعَةٍ لِمَا لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ غَيْرُ ذَلِكَ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ كَذَبُوا فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ وَلَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَلَيْهِ الزَّكَاةُ غَيْرَ هَذَا فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ.¹

در این روایت امام صادق علیه السلام به صراحت اشاره کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زکات را بر نه چیز قرار داده و نسبت به غیر آن عفو کرده است. در ادامه، سائل از وجوب زکات نسبت به ذرت سؤال کرده که امام علیه السلام عصبانی شده و فرموده‌اند: ذرت و حبوبات دیگر در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم بوده و این چنین نبوده است که در آن زمان فقط گندم و جو وجود داشته باشد. سائل می‌گوید: اهل سنت می‌گویند حبوباتی همچون ذرت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود نداشته است که ایشان زکات را بر آن نه چیز قرار داده است. امام صادق علیه السلام مجدداً عصبانی شده و فرموده است: اهل سنت دروغ می‌گویند. عفو نسبت به چیزی که دارد صورت می‌گیرد و الا اگر چیزی وجود نداشته باشد، عفو کردن نسبت به آن بی معنا است. ایشان به خدای متعال قسم یاد کرده و فرموده است: غیر از این نه چیز، چیزی که متعلق زکات باشد، نمی‌شناسم. با توجه به ذیل روایت که امام صادق علیه السلام همراه با قسم بیان کرده‌اند که نسبت به غیر از نه چیز، زکات واجب نیست، مشخص می‌شود که عفو پیامبر صلی الله علیه و آله دائمی بوده است. روایت در دلالت بر این مطلب، صریح و روشن است؛ هرچند به لحاظ سندی مرسل است.

روایت دوم: صحیحہ علی بن مهزیار

و[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع جُعِلَتْ فِدَاكَ رُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةَ وَالْغَنَمِ وَالْبَقَرِ وَالْإِبِلَ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَمَّا سِوَى ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْقَائِلُ عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ بِأَضْعَافِ ذَلِكَ فَقَالَ وَ مَا هُوَ فَقَالَ لَهُ الْأَرَزُّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع - أَقُولُ: لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَ تَقُولُ عِنْدَنَا أَرَزُّ وَ عِنْدَنَا ذُرَّةٌ وَ قَدْ كَانَتْ الذُّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص - فَوَقَّعَ كَذَلِكَ هُوَ وَ الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ الْحَدِيثِ.²

1. وسائل الشیعة ۹: ۵۴.

2. وسائل الشیعة ۹: ۵۵-۵۶.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

به لحاظ سندی، غیر از عبدالله بن محمد، وثاقت تمامی راویان ثابت است و وجود عبدالله بن محمد نیز ضرری به سند روایت وارد نمی‌کند؛ چون علی بن مهزیار، نامه عبدالله بن محمد و پاسخ امام علیه السلام را مشاهده کرده است و بر این اساس، دیگر نیازی نیست که عبدالله بن محمد ثقه باشد.

در این روایت مضمون روایت پیشین، در نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشته شده و از ایشان درباره صحت این روایت سؤال شده است. امام هادی علیه السلام نیز پاسخ داده‌اند که روایت از امام صادق علیه السلام صحیح است. بنابراین زکات در غیر از نه چیز واجب نخواهد بود. البته در انتهای روایت بیان شده که نسبت به هر چیزی که با صاع، کیل و وزن می‌شود، زکات وجود دارد که حمل بر استحباب می‌شود؛ چون پیش از آن بیان کرده است که در غیر آن نه چیز حتی اگر با صاع کیل شود، زکات وجود دارد که جمع آن مطلب با وجود زکات در چیزی که نسبت به آن از کیل استفاده می‌شود، حمل بر استحباب زکات است. این روایت با دلالت بر عدم وجوب زکات در غیر موارد نه گانه و استحباب زکات در چیزهایی که نسبت به آن‌ها از کیل استفاده می‌شود، شاهد جمع برای سایر روایات که زکات را در همه حبوبات واجب دانسته، محسوب می‌شود و آن روایات نیز حمل بر استحباب می‌شوند.

روایت سوم: روایت محمد بن طیار

وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ وَ
الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الطَّيَّارِ قَالَ: سَأَلْتُ لُبّاً عَبْدَ اللَّهِ عَ عَمَّا تَجِبُ فِيهِ
الزَّكَاةُ فَقَالَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ عَفَا
رَسُولُ اللَّهِ صَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَإِنَّ عِنْدَنَا حَبّاً كَثِيراً قَالَ فَقَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ الْأَرُّ قَالَ نَعَمْ مَا
أَكْثَرُهُ فَقُلْتُ أَفِيهِ الزَّكَاةُ فَرَبَّرَنِي قَالَ ثُمَّ قَالَ أَقُولُ: لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ وَ تَقُولُ لِي إِنَّ عِنْدَنَا
حَبّاً كَثِيراً أَفِيهِ الزَّكَاةُ.¹

در این روایت نیز امام علیه السلام به صراحت اشاره کرده‌اند که زکات صرفاً در نه چیز واجب است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به غیر آن‌ها عفو کرده است. در ادامه روایت سؤال از وجوب زکات نسبت به برنج شده که امام علیه السلام با لحن تندی بیان کرده است که گفتم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از غیر موارد نه گانه عفو کرده است و شما از وجوب زکات سؤال می‌کنید؟ در نتیجه به روشنی این روایت دلالت بر دائمی بودن عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد.

روایت چهارم: روایت جمیل بن دراج

وَعَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ
دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا سِوَى ذَلِكَ
عَلَى الْفِضَّةِ وَ الذَّهَبِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ فَقَالَ لَهُ الطَّيَّارُ وَ أَنَا حَاضِرٌ إِنَّ

1. وسائل الشیعة ۹: ۵۸.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

عِنْدَنَا حَبًّا كَثِيرًا يُقَالُ لَهُ الْأُرْزُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عِنْدَنَا حَبٌّ كَثِيرٌ قَالَ فَعَلَيْهِ شَيْءٌ قَالَ لَا قَدْ أَعْلَمْتُكَ أَنَّ
رَسُولَ اللَّهِ ص عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ.^۱

روایت پیشین توسط خود طیار نقل شده و این روایت که توسط جمیل بن درّاج نقل شده، ماجرایی پیش آمده برای طیار را نقل کرده است. امام علیه السلام بیان کرده که زکات صرفاً در نه چیز است و نسبت به غیر آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عفو کرده است. تاکنون به چهار روایت اشاره گردید که دلالت دارند بر اینکه عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دائمی است و هیچ ولی امری حق تغییر دادن آن را ندارد و الا اگر امکان تغییر دادن آن وجود داشت و امام علیه السلام خودشان به صلاح نمی دانستند که در غیر آن نه مورد، زکات دریافت کنند، نباید به عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد می کردند و بیان می کردند که نمی خواهیم بر غیر آن نه مورد زکات قرار دهیم. اما چنین تعبیری از ایشان صادر نشده است که حاکی از دائمی بودن عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.^۲ با توجه به این روایات، روشن می شود که جعلی که امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به اسبها داشته اند، زکات نبوده است و خودش می تواند دلیل جداگانه بر مشروعیت دریافت مالیات باشد. پاسخ از روایتی هم که به عنوان شاهد بر زکات بودن ذکر شده، این است که در آن روایت بیان نشده است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن ها زکات قرار داده، بلکه صرفاً بیان شده که در آن ها زکات وجود دارد. از طرف دیگر وقتی روشن باشد که عفو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قابل تغییر نبوده است، این روایت را حمل بر استحباب می شود.

نتیجه این است که دلیل مرحوم آقای منتظری بر مشروعیت دریافت مالیات و عوارض، حتی نسبت به امام معصوم علیه السلام هم ناتمام است و با این مطلب، عدم تمامیت نسبت به ولی فقیه روشن تر خواهد بود.

دلیل هشتم: روایت زراره و محمد بن مسلم

دلیل هشتم برای اثبات مشروعیت دریافت مالیات توسط حکومت اسلامی، روایت زراره و محمد بن مسلم است که مربوط به دریافت مبلغی توسط امیرالمؤمنین علیه السلام در ازای اسبها است. این روایت دلالت دارد که امام علیه السلام و به تبع ایشان، فقیه در عصر غیبت ولایت دارد که مالیات جعل کند.

مناقشه بر دلیل هشتم این است که اگرچه بر اساس مطالب مطرح شده، روشن شد که دریافت مبلغی به ازای اسبها، زکات نبوده و ظهور در مالیات دارد، اما استدلال به یک مورد و به ویژه با توجه به اینکه فعل امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است، برای اثبات جواز مشروعیت دریافت مالیات از همه اموال، مشکل است؛ چون روایت، حاکی از قضیه خارجیه است و این امکان وجود دارد که شرایط زمان و مکان به گونه ای بوده باشد که امیرالمؤمنین علیه السلام مجبور به دریافت شده باشند. با لحاظ این نکات، نمی توان قضیه حقیقیه برداشت کرد که بر هر ولی امر و حاکمی، در هر شرایطی جایز است که از شهروندان مالیات دریافت کند.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۵۹.

۲. برای تبیین تشریح های دائمی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لازم به ذکر است که بر اساس روایاتی همچون «عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِبَعْضِ أَصْحَابِ قَيْسِ الْمَاصِرِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ آدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ - إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيُسَوِّسَ عِبَادَةَ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ - مَا أَنَاكُمْ الرَّشُولُ فَخَذُّوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا... » (الكافي ۱: ۲۶۶) و روایات دیگر با این مضمون که شیخ کلینی در بابی با عنوان «بَابُ التَّوْبِخِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ ع فِي أَمْرِ الدِّينِ» نقل کرده، خداوند متعال امر دین خود را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واگذار کرده و ایشان حق تشریع داشته است و هر چه ایشان قرار می دادند، وظیفه واقعی همه مکلفین بوده است. در باب زکات نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زکات را در نه چیز قرار داده و از بقیه اموال به صورت کلی و دائمی عفو کرده است.



جلسه: ۱۲۰
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

دلیل نهم: اولی بودن دریافت مالیات به جواز نسبت به سپر قرار دادن شهروندان

دلیل نهم بر مشروعیت دریافت مالیات و عوارض، استدلال به قیاس اولویت نسبت به سپر قرار دادن انسان‌ها برای حفظ نظام است. توضیح مطلب این است که اگر شرایط جنگی به گونه‌ای باشد که حفظ حکومت اسلامی متوقف بر سپر قرار دادن مسلمانان در مقابل دشمنان باشد، در فقه مطرح شده است که استفاده از سپر انسانی برای حفظ حکومت اسلامی جایز است. با توجه به این مطلب، روشن می‌شود که وقتی حفظ حکومت اسلامی متوقف بر جان مسلمانان باشد، در تراحمی که برای حاکم اسلامی رخ می‌دهد که باید حکومت و جان مسلمانان را حفظ کند، حکومت اسلامی مقدم می‌شود، به طریق اولی در تراحمی که بین حفظ حکومت اسلامی و حرمت تصرف در اموال شهروندان ایجاد می‌شود، حفظ حکومت اسلامی مقدم بوده و بر حاکم اسلامی جایز خواهد بود که بر شهروندان مالیات وضع کند تا حکومت اسلامی را حفظ کند.

تفاوت این دلیل با دلیلی که در آن از باب مقدمه واجب مطرح گردید، در این است که طبق دلیل مقدمه واجب، پرداخت مالیات بر خود شهروندان واجب می‌شود و طبق دلیلی که در حال حاضر اشاره گردید، دریافت مالیات از باب تراحم بر حاکم اسلامی واجب می‌شود.